

(سرخور)

▶ پاینده محمد

(فرحت)

الْأَلْأَنْجَانِ

دعا افشا نان کابل

(همه امورات تحریره)

(به اداره خانه)

▶ فرحت افغانستان پاینده باد

(فرستاده نمیشود)

# الْأَلْأَنْجَانِ

۳۷

۴۵

قیمت سالیانه

در اسلطنه کابل ۷

روپیه کابلی

در اطراف داخله مملکت

۱۱ روپیه کابلی

در خارج مملکت

۱۳ روپیه کابلی

(به هر هفتہ یکبار)

(نشر میشود)

قیمت بک نسخه آن

در کابل ۸ پیسه میباشد

(اوراقی که در ج نشود

(افاده نمیشود)

تاریخ شمسی ۱۶ نور ۱۳۰۱ شمسی مطابق ۸ رمضان المبارک ۱۳۴۰ قمری

تاریخ انگلیزی ۵ می ۱۹۲۲ عیسوی

رفیق ایانی و ملی من باعث ترددات سفریه  
خود مسوده را جانی نهاده و فراموشیده  
من بعد هر چند که جستجو و تحری رفت  
نیافریم ، بس قلم در چنیش را بهانه بدست  
آمد ، و طبع ناشادم بشیوه درجه خود  
ظرفه زدن آغازید ، و نیز با ملا حظه  
ه خنجر پشتان ه می را و کول ، مکریه  
می به نیام کرل ، طبیعت تصفیه نمود ، که  
تا خنجر پشتان باز بالش و تو خنچه نموده  
بیندا شود در شب روی مقصد خود زدن ه  
زلف محمد لیلی عرب و کا گل سوغول  
کشا کش دست نادیده (شیرین) پشتون ه

(خنجر پشتان)

دشتانو حلمیو نسل منکلی سروی

لک دباز پ و بنو سره وی ص مندونه

، نشان ملی و تغفه امتیازی جوانان

پشتان داءاً بخون آغشه بودن چنگل

شان است ، هیچون باز بکساعده ومصممش

بخون همواره رنگین و تراشید

دیربست کذوق ، زود کرانی میکرد

و برآن میداشت که در عالم سرمسی اکر

دیگر نباشد ، کامی بطرف محل «شیرین»

پشتون بردارد ، چنانکه یکبار به عنوان

ه خنجر پشتان ، فولاد خائمه بود ، اما

کامی برداشتن سرور خواهد کشت ، اگرچه هر در کار کنان ، مجله محترمہ ( امان افغان ) که شدت حدت جدا کانه عالمی دارد باصطلاح ما اسلامیان موجوده طام اسلام به تسمیه هشت ، اصراف وجہنم ادبیه توضیح و تشریح آن کاکان حقه میتوان شد آقای من مدیر مهر منیر کویا که ایشکت رب اهل روح ( کاره ) زده و طاؤس طوس را بزور خبرهات مضراب قلم بعنوان آورده علا لامی اندکیزد و میفرماید :-

نتقید ادبی و بیک اعتراض جدی میباشد هر در که از لطافت طراوت و نژادت و از شدت حدت جدا کانه عالمی دارد باصطلاح ما اسلامیان موجوده طام اسلام به تسمیه هشت ، اصراف وجہنم ادبیه توضیح و تشریح آن کاکان حقه میتوان شد آقای من مدیر مهر منیر کویا که ایشکت رب اهل روح ( کاره ) زده و طاؤس طوس را بزور خبرهات مضراب قلم بعنوان آورده علا لامی اندکیزد و میفرماید :-

(قابل توجه مدیر محترم مجله امان افغان کابل)

### نتقید ادبی و اعتراض جدی

مدیر محترم مجله امان افغان که تقریباً مجله رسمی افغانستان میباشد در شماره ( ۲۴ ) سال دوم مورخه ۲۳ ربیع الثانی اول جدی سنه ۱۳۰۰ در صفحه ۲ در عنوان مقاله که نواب سلیمان خان در نهضت ملت افغان نکاشته است مرتبه کب بیک خطای فاحش ادبی شده اند که از روی همدینی و همزبانی وهم جواری آه میباشد افغان داریم نتوانستیم متحمل آن بشویم لهذا با آن ادیب محترم یاد آور میشویم در موقع نکاشتن مقاالتی که در دنیا اشر و بدست دوست و دشمن می افتد قدری بیش ازین دقیق شده و کلامی کامو جب شمات از طرف دشمن و ملامت از طرف دوست بشود بالتفه نباید نوشت -

ما بنشنویگویم و بستان « بالفتح از بستوت نه بستان » القسم که از بیش بار سی ما خود داشت ، چنانکه در طهران الف به او ایصال مبین برد و زبان ، زبون و دکان ، دکون است ، بخلاف آن در کابل الفرا ببدل و اوی آورند واز بیشون ، بستان می نویستند ، خوشوقم که بانک تدقیق قبل التحقیق پر و صهید مشهد شریف شبدیز قلم را اختاط ترساخت ، واز آوردن لفظ ( کس ) در هرجنه بغل خالی میکند بخوب اینکه میادا آقای مهرمار واستاد شفیق در تدقیق ادبیات بالضم خواند و معرض اراد و تهدید شدیدتر استادانه کردم - از تصور این وهم برخود میسلزم و مویم برآن دام راست میشود که که خدا بخواسته مدقق اجل من روزی درینک تفیش ادبیه خود ازه ایز ، بالفتح ایان نتواشد ، و علاوه بر اضداد لسانین راجه چاره که در ادبیات فلسفیات زردشی دیو ، به اهنمن ، صفت و در فلسفیات بیاس جی « دیو » به بیزدان سرشناس اطلاق میزدرو هیجنین تلفظ « خوی » در بار سی و روسی ۱

افخه اس طبع ترشیید ۱ « خط انجاست ، ناصح مقندر من در دوم رکن مضمون خود علم عالم ادب و جهان جهان معنی را لباس حروف پوشانیده روح تنقید ادبی را چنین اداره میفرماید و بجهیزیان « این

آئین تقوی ماقبل دام آمجه چاره باخت کرده آقای محترم و عمیق بین من بفحوای ( وجود استاد به زمیر پدر ) بروحت همدینی و شفقت همزبانی و لطفات هم جواری به تهدید استادانه برداخته از غلیان غیظ و فوران غضب از افرادیت با جماعت میدراید و به بی هم استعمال ضمایر جمع متکلم صریح و مصروف می سازد

( قدر وایا اولی الاباب )

مدیر محترم ( امان افغان ) را که ارکن ملیه ماست و همین از نامش هویداست فهمایش دقیق تر شدن میفرماید ، و بخطای فاحش نی باکه که ای ادبیه لفظ بستان متنبه میکرداند افخاماً مدیر ( امان افغان ) راجه کنمجهائی دقت مسلمانها از خود قابل تعمق و تفکر احباب همچوار و برادر هم کیش ایران است ، لا الی کنجهینه ته زمین کابل چسان بیزان طهران سوخته میتوان شد . ادبیات افغانی به لغت پارسی پالیدن از خود ارتکاب خطای که است ، آری در کابل و طهران ( میم ) ملیت در میان است ، هرگز نه حققین ( فلاوجست ) را شیوه و دستور است ، که ادبیات لسانین متفاوتین را بلغات خودش تدقیق میفرمایند ( بستان ) بالفتح از ادبیات جدیده بستوت نه به هنجر پارسی از « بشت » بستان افغانی را

کلمه قبیحی» رنگ و آب ادبیات را دو بالا می‌سازد، رقطراز است: — سر لوحه مقاله همکن بود، نهضت ملت افغان یا هضت طافه، پشتون یا چیز دیگر بتویسید، این کلمه قبیحی که یا تواب سلیمانخان یا شما نوشته اید جدا قابل اعتراض و تقدیست، نکته کیران دنیا بسیارند البتہ من بعد ملتفت اینکونه نکات بوده و در نکارشات دقیق تر باشید، اینچند

کلمه را بعض غیر اسلامی بطور اندرز نوشیم: — به مردمی که خواهی جامه میپوش — من انداز فدت را می‌شناسم —

بسر لوحه مقاله همکن است که ادب لبیب مساله بعض باشد، نیز قرین صواب است جدی پرداخته زیرا ب میر کد

(دوست آلسنت عیوب های را هچون آینه رو رو کوید) (نه که چون شانه با هزار زبان پشت سر رفته مو بـ و کوید)

رفقا منوجه باشید! آقای محترم ویر دامای نا (پشت) رادر چه مقام ادبی چفیده و اعتراض پشت سر را چه مکان

علی بdest آورده، فلاسفه اشخاص و اجـماعیات سفیدریش، شیخ شیراز میفرمایند: —

(دوستی با من دادا نکوست دشمن دانای از نادان دوست) فنظر و ایا ولی الاباب!

نادره (۳۶) ادبی بحق اهل المسایل به تصرف خود و اورا به الف بدل کرده نفس و پشتان، براند یختند و یک رند لایالی ما اینجا بلا واسطه به هضت ادب عربی رساند، بفرماید آقای من، انصاف خود بدی که قابل اعتراض جدی جراحت و چون است که خرد کیران دنیا صرا به بالیدک طبیعی خود شحات می‌غایند و یاملامت میفرمایند به نهید می‌کرند و یا به اهتمام جدید میپردازند — عالمه متعدد ما حق حیات دارد ما میخواهم در حوزه اسلام به مساواه حقوق اسلامیه به نام (موحدین) و در دارثه ملل جه اوروپا چهایشنا به اسما پشتان روشناس باشیم — بفرماید استاد ادبیات افغانی بسند آمد صرا شفی و تکبیری نکنی — عجب سه گین دلی الله اکبر (باقي دارد)

(انقاد حفل مینو مشاکل)

(وزارت جلیله معارف)

روزیک شنبه ۳ ماه نور سنه ۱۳۰۱ ازیک و نیم بجه ظهر الى شش و نیم بجه عصر در وزارت جلیله معارف یک مجلس باشان و شو کت نسبت به ارائه نمرات غیرت اطفال وطن در تحصیل علم و عرفان و معابده نتائج مساعی آنها انقاد یافت که اعلیحضرت پادشاه معارف اکتفا نمود (پدر مذوقی و نعمخوار حقیقی اولاد

محرم راز همان روز کارم کرده اند چون محرف کوش نهند خلق خوارم کرده اند امتنان دارم و سپاس پذیرم از مولای مشهدی خودم که صرا از خرد کیران و بسیاری شان آ کاهانید (مصرع) بشنو از فی چون حکایت می‌کنند آری صحبت و عباری این جوهر محدوده ادبیاز من بشنوید «بنامزد» نهاد ادبیه بشنو که اصد ها خوانه های فوار و آرام متفکر کریں این عالمه واحده واسعة بشنویه که افراد آن در مختلف بلاد عالم تا اسریک و آستریلیه، توطن مسترخانه کزیده اند پروردۀ شدۀ است — این شجرة مقدسة بشنویت بالای قله متعه سلیمان کوه موقف دارد و ریشه های استوار آن در عام جلد ک منتفعه بین السندين دویده شاخه های قوئی آن به آب خوش کوار خار شکن (ایسنده) و ماء معین چیزون ظل افکن است، سیراب آن کم و پیش از هر سه منابع نیک، آربن و منکولین است عالمه ما هر فرد و یخ خود را بمساویانه حرمت پذیرفته است مارادر دیار هند پهان، در صرب و بوم ایران افغان در اقلیم ایران اوغان و سب به راعنا کوئی سلیمانی می کویند — منف کریں قدیم ما خود را بشنویم می فرمودند — منف کریں جدید ما به هزار جر خوئی

وطن) هر رای اضافه نهودن مکمنت و عنزت آن تصرف ورود ارزانی داشتهند و نیز وزیر ای عظیم و ( مهران ، نایاب - کان کرام دول خارجیه ) با فومندانهای نظامی وار آین و هیز زین ملکی افغان درین جله اشریف آورده بودند - افتتاح این مکلف فراز جند آیات قرآن محبود فرقان حید با آواز جهود لهمه بس مؤثر شد بعد این اجنبان مسامین و نهادهای علمیه و ناطق و ترانهای مؤثره در معرض بینان واجرا بواط طلاب محین مکتب مبار که بحیبیه ، آمد که عالم عالم حیات و جذبات عالیه را اشان میداد این همه ایات متفقی عالم و عرفان اولاً از برکات توجهات جمه اندراجت پادشاه ترقیخواه حریت بخشای افغان و باز از صرف ساعیات پیداریقانه حضرت وزارت پناهی محمد - لمبهانخان ( وزیر معارف ) و هاق مامورین وا اندزان با وجودان و زارت جدیه معارف است که اصر و ز و نه ترقیات معارف در افغانستان ، دیده می شوده از دیگر رهکندر - بس ( امان افغان ) توفیق خدمات عالی ، شانزرا اضافه بر اضافه نسبت به عالم اسلامی و دینی ای افغانی از خداوند کارساز نهاده مستلت می شاید !

( جشن میلاد اعماحضرت پادشاه )

( ذبحه دولت علیه ایران )

بیوم شنبه نیم ماه تور سن ۱۳۰۱  
از طرف جناب جلاله آب آقائی اعلاء

قانون ۱۸۲۱ کردیدان کونه بحر بسادر هر مملکتی بحدوث پیوسته است و جاره آخرین درین بدده شده که نصوبیت جزء مخارج حتی مخارج فوق العاده بعد از ملاحظه کامل عابدات حق مطلق بار بینان باشد در سال ۱۸۲۲ رویه کولارداز و کلای مجلس فرانسه نطق مفصلی در شرح معايب تصدیق کور کورانه لواح خرج دولتی نموده و دلایل مقننه ایراد نمود در نتیجه ابن کونه مشاجرات مقتضای رای اکثریت براین شد که هیئت دولت بودجه را به انتیکه که خود فرار میدهند در میان ادارات قسم نموده و آنکاه هر وزارت خانه عابدات و مخارج خود را باطور تفصیل در ضمن فضول و مواد مرتقب تعین نموده بوزارت مالیه فرستند که ابن آخری نیز آنها غر کرداده و بودجه خود را هم ض نموده که مجلس ارائه دهد و مجلس حق دارد که هر فصل بودجه عمومی و حتی هر قسمت بودجه های وزارت هارا موضوع رای قرار داده و آنها را جدا کانه تدقیق کرده و صورت قانونی بدهد با جرح غاید و این عمل را در اصطلاح قانون خصوصیت آشريعه کویند .

پس بعد از ملاحظات فوق باید نفت که اصر و زنیجه تجارب و مقررات اخیره

شماره آیشده جالب انطار قارئین کرام خواهند شد  
( بودجه چیست ) ۴  
مابعد از شماره ۳۵  
اساس اختلافات و مشکلات در بودجه همین مقایسه و نوزین عائدات با مخارج بوده است و اکناریخ بودجه را ازین نقطه نظر مطالعه نمایم خواهیم دید دولت ها همیشه در تراشیدن مخارج کوشیده و به علاوه باداره و دخالت و مختاریت سی کرده و پار بینانهای متواتی نیز همیشه در جلو کیوی ازین عائل دولت اجرای نموده نموده اند و بسیار بوده است که دولت نامین اکثریت در مجلس نموده و بودجه خود را قبول نماید انت ولی در اغلب احوال کار منتهی به اسراف و عاقبت مورد اعتراض کردیده است مثلاً بعد از ازان که پار بینان فرانسه از هر طرف یعنی راه دولت را در حریت حرکت در بودجه مسدود نمود دولت یعنی نهاد بیک بودجه مخارج عاده و مخارج فوق العاده نموده و برای این یکی منابع فوق العاده نیز نشان داد این پیشنهاد بوجب ماده ( ۱ ) قانون سال ۱۸۲۱ قبول شد ولی چندی نکشید که دولت دامنه مخارج فوق العاده را توسعی کرد و هر خرج را فوق العاده شمرد و بودجه دارای جای خالی شد و پار بینان مجبور به نقض والقای

(ینات تبیکیه مسلمانان انگلستان و سفر) (فوق العاده افغانستان) نامه همراه مظہر است که

جمعیت مسلمانان انگلستان نسبت بروز خود را از برکات اجراءات افغانستان اصر و خود را از برکات اجراءات افغانستان این امور را درین سر زمین خیلی خرسند نیک آمودن از این سر زمین خیلی خرسند شده خیره قدمها تقدیم کرده می کویم که نتیجه اثرات این سفارت خانه عالیه اولین اتفاقیه نه تنها بین امر منتج میشود که هوشمندانه و مدبرانه کاردار فعال بیدار خود در اقوام عالم ممتاز نشان میدهد بل وجود دوره پیک دور جدید را فیما بین ملام اسلامیت و عیسائیت نسبت بقیام مناسبات و مراودات دوستیه ابراز میدارد، پس آرزوی صمیمانه ماؤلاً اینست که آغاز این دور جدید مختتم به حل آن مسائل مشکله کردد که از پیغمبرگیهای مسئله خلافت و در ماندگیهای مسلمانان عالم، مذهب اسلامیه در روزه تملک اقراطه بنظر می آید و تاباً اینکه از برکات هنرات آن حفاظت، مقامات مقدسه و حکومت ترکیه به تحت حمایه سلطان المظالم (اعن خلیفة المسلمين) وزیر سایه خدام صادق حرمین الشرین آزاد و مستقل کردد وقت تلاف آن غلطیهای استفناک (که از طرف دولت بریتانیه درین در پیک پرده اتحادیه کلبه بوده، حضورهم

مایل بسایه بدب مشرف شدن بشرافت اسلامی احسان مندان و قد میباشیم، از جهوت کی و خوب این و قد خوبتر واقع شده ایم پس جدا میتوانیم کفت که این و قد و ظائف خود را بخوبی و خوصله افزایی ادا نموده و مینماید و ما هم تمام قوای فعالیه را با عدد روح حقه اسلامیه وقف نموده ایم ناحص بمشیت بزدانتی تفکرات و خیالات غیر انصی و هم دردی و نیک بانی نسبت با نفاق و نخداد عمومی در میدان همچ صورت وجود بهم رساند همچنان لازم دیده می شود که عموم مسلمانان عالم علی قدر طاقتمنم پرداز همچنان این و قد اسلامیه نسبت مقاصد عالیه که دارد باید باشد -

آنون آرزو مندم که افغانستان بتوسط وجود مسعود شما، نسبت به تقدیم نمودن نونه روح حقه اسلامی، به پیشکار اقوام عالم هیچ کمی و مضائقه نخواهد کرد فقط

(قطع غرای جوابیه)

(جناب سفیر صاحب افغان)

حضور محترم الیزین محبت و حلوصیتکه نسبت با هدف درین سر زمین، از طرف برادران مذهبی من اعنی جمعیت اسلامیه انگلستان ظاهر شد خیلی ممنون و منشکرم علاوه بر این جزییکه اضافة ترمذی و متوجه ساخت هنر جذبات و حسیات عالیه شان نسبت بدولت اسلامیه اتفاقیه است که اظهار آن در سپاسنامه کویدند -

الهای قریبہ صادر شده و نسبت به عیسایان مسلمانان اضافه تر در ان حصه کرفتند) از دست نزد

(اغلب قیاس اینست که در بجا بسبب سه و مرتباً یا کاتب، بعوض هندیان، مسلمانان ترتیب و نوشته شده است و ره در اصل هندیان بوده، (مترجم) یعنی میداریم که اکثر حصه آبادی این سر زمین (انگلستان) اعانت بونان را عقاب اسلامیان، از روی دیانت و انصاف بالکل مخالف و نادرست میدانست -

در دنیا این سخن مشهور و معروف کردیده که نسبت به عیسایان پیک تعصب جدی و نیک شورش کلی فیابن مسلمانان جاریست حالانکه از تجارب حاضر طرف مخالف آن ظاهر میگردد یعنی بالعكس؛ نیک هیجان و تعصب قویه نسبت بمسلمانان درین عیسایان طاریست چنانچه مؤبدانه از زمان اکثر مدرین سلطنت اینچین سخنان بسمع رسیده و میرسند که بر تعصب جاهلانه مبنی میباشند - از وقتیکه این و قد اسلامیه پاین نقطه رسیده کوشش های فوق الطاقة خود را نسبت به انهدام همچنین تعصبات که مظہر جهالت دفعه میشوند کرده اصولات باصفای حقه اسلامیه را بالایس ساده و زیبایی که دارد حضور باشند کان این خطه ظاهر ساخته است همین که اکثر

ای حضرات عظام ا من خبرورت  
پیش تردن قرآن حکیم را ( مثیلیک در سپاس  
نامه ذکر شد ) بحضور اهل آستان بدرستی  
محسوس میکنم و میدانم که روح حقه اسلامیت  
است که تمام اقوام دنیا را بیریک نقطه اتحادیه  
و ارتباطیه آورده و از برکت آن درین  
اسلامیان و عیسائیان مناسبات دوستانه فاش  
شده میتواند باشی خواهم که ،

سفرای اعظم ممالک اسلامیه همین مقصد  
عظیما را مد نظر خود داشته مسا عیات  
بعمل آرنده همین دارم که همین مذهب حقه  
اسلامیه تمام مسائل مشکله بین الاقوامی  
والنسل را بوجه احسن حل و تصفیه کند و فاه  
و آرامی جامعه را در میدان ظهور آور

اءان و اذعان دارم که درین دنیا ،  
صرف همین یک مذهب اسلامی است که  
هر شخص بلا امتیاز قوم و وطن دران  
داخل و در حیطه حبل متن آن آنچنان  
باهم روزت میتواند بشود که از جدائی  
هم ازان دوستی و یکرنسی متصور نبود

در نارنج اسلامی از همچنین مثالهای  
یکرنسی و دوستی اقوام مختلفه بی نوع انسان  
تذکار است که قرآن عظیم و فرقان کریم  
اشارة به آن معا کند ( واعتصمو الجبل  
الله جیعا ولا تفرقا - - - الخ )

از ملاحظه اندک رادر از ما ( انگلیسان )  
بعیت تمام مسلمانان بمثل عقائد مذهبی در

## جوان خارجیه

## علم الامان

( آیا شنبده اند )

ک در هندوستان چندین محبوبین موتی  
و دامنه که البته بیان کننده بجهه به آن  
بالای عجوبست که فشار شده اند نسبت باعتراف  
و اکرام شخصی رهایش دارند ؟ نی فی ا  
آنچنان خنوار بود که بواسطه خصوصیات  
شخصیه ، قانون اساسیه حکومتی ( صرف  
نظر از حقوق مذهبیه و بشریه ) شکسته  
و خلاف آن اجرای شود ؟ راست کویم ، باش  
ستون دوم صفحه سوم اخبار و کیل مورخ  
۲۰ ماه شعبان مطابق ۱۹ ابریل س ۱۹۴۲  
اکر ملاحظه شود معلوم میکردد که در  
( میسور ) نسبت باعتراف - بیان شمزاده  
ویلز ، یکصد و سیزده غرفه کیهی که شument  
و یکنفرشان بخدمت داشت مجرم بودند ، رها  
کردند - اکوجه از رهایی این محبوبین  
قلبامسرت حاصل کردند مکراز جانب یکرنسی  
که بواسطه رهایانه محبوبین . وظائف  
حق ستانی مظلومان باعتراف می شود غیرکیفی  
و ملال خاطر حاصل ، بالعکس :-

در عکوم ممالک اسلامیه و خصوص در  
ملکت افغانیه للحمد لله قوانین حکومتی ( که  
از برکت توجهات جهان در جات اعلیحضرت  
دیندار مان ربطی قواعد اسلامی و شرعا

با رامی و آسوده کی روز افزون میکردد  
من برین خدمات عالیه شما هیئت و فدیه  
اسلامیه که فسیحت بعام اسلام به بسیار حوصله  
عالیه وجذبات با کیزه اجر اغوده و می غایبید  
بلحاظ اظهار نتائج نیک آن خود داری  
کرده نتوانسته می کویم که مكافات اینچنین  
تأدیبه فرائض عالیه انشاء الله شرعا ظاهر و  
رخ کامیابی را ابراز کردنی است . من این  
را سعادت مندی و بختیاری خویش می  
پندارم که اصرار ملاقات من به مراده ذواتی  
شده آه دلها هی هر ندامشان بیان کنند  
جذبات عالیه ، زنده است و چشمها هی  
شان از صداقت روشن و هیشه  
اینچنین محبت های محسنه و معنویانه را  
صمیمانه خواستکارم . هر قدر که از خجالات  
و حسیات خویش بیان غایم هنوز کم ،  
لا کن از تعلیل کلام ترسیده ختم مقاله را  
با تقدیم اشکرات صمیمانه نظر به محبت و  
مودت برادران خود و باین دعا می غایم که  
الهی مامه را بصرف غودن قوای معنویات  
و مساعیات جدیه نسبت با آن مقاصد آمال  
 توفیق ده که خیر و بہود عالم با آن باشد



عموماً مراد اساحجه بوضع نظامی کشت  
و نذار دارند و آندر مسافرین را بذریعه  
اسلحه جات خویش تهدیدی نمایند بلکه  
درا کثر ریل ها بزور بدون نادیه کرایه  
سوار می شوند - قانون خود را جاری  
میدارند - سپاهیان یکه برخصتی در خانه های  
خود رفتند بذریعه اکالیمها نرسانیده  
شده برای شان کفته می شود که اکراز  
ملازمت انگلیسان دست بردار نشود  
فضیحت و رسوانی در حق شما اجر اخواهد  
شد و نیز اکالیمها در اجراءات محکمه های  
از کربزی محل می شوند و در هر جا تقاریر  
باغیانه و اقلایانه ارادی می نمایند و می کویند  
که حکومت بخاب از خود شان است که  
بنابران ، حکومت انگلیس هندی کارستان  
های جبریه و شدیده در بخاب جاری نموده  
چنانچه در مدت ۱۰ ده روز به تهران نفر  
وطن پرست را در محبس ها اداخته برای  
شان ترغیبات متنوعه را پیش و اقسام ظلم  
و ستم را برای شان نشان میدهد باز هم  
هیچ یک از محبان وطن آن محبوب نند - بخ  
های فوق حکومت را اهمیت نداده بکمال  
خوشی جنس خود هارا از دست از کربزان  
قول نمیدارد - ازین جبر و آشدم حکومت  
روزهای کذتیه مارشل لای (قانون جبریه  
فوچی) بخاب را پیش رومی آرد -

در چهار خانه حروف دارالسلطنه کابل

طبع کردید

( سر محروم پاپنده محمد )

ساخت شده و رانج است ) هیجوقت تقاضای  
تلف شدن حقوق را نکرده و نخواهد کرد  
مکر آنکه (حسب القاعده و تقاضای مذهبیه)  
حدقدارش اکر بخشد ، میتواند والا هیچگی  
اکر جه پادشاه هم باشد بدون حق نمیتواند که  
 بواسطه اعناء از یاسفارش و یاطرف داری شخصی  
از اله حقداری را بخاید خصوص در بخیان  
امور مهمه بزرس دائی و یا قصاص  
خونکبری ، از قاتل بواسطه مقتول !

#### ( وضعیت هندوستان )

جرائد هندی و انگلیسی مخبراند که  
اعتراض من دوران بیل مشرق هندوستان  
ناحال جاریست چنانچه بخاطه هزار اجروره  
کاران کار از دست و دست از کار کشیدند  
که بعث نقصان يك كرورو بیست و پنج لک  
روپه نسبت حکومت از کربزی شد -  
اغتشاش موپل هاتحال فرونشده ، به عقی از  
سر کرد کان به مراد تابعین خود برخلاف  
انگلیس آن مصروف چپاول و محاربه میباشند  
رئیس محفل قوانین پنجاهم در راب فعالیت  
ـ کمـ ها در بیک نطق خود چنان بیدان نموده  
ـ سکهـ های اکالی ( یک کروپی از اقوام )  
ـ سکهـ هاستند که متعدد آنها متعهد شده  
اند که برای حفظ ناموس دین خود از جان  
دادن هم درین نخواهند کرد و در تحریک  
زک موالات شامل کشتهاند - مترجم )